



ویتامین ها و مکمل های مورد

نیاز دوران بارداری

۲

ماجرای دزدیده شدن «مار ادونا»

توسط فضایی ها

مار ادونا به تازگی در مصاحبه‌ای گفته که یک بار بعد از زبانه‌روی در مصرف نوشیدنی‌های الکلی به خانواده‌ام گفتم که یک سفینه فضایی مرا دزدیده بود و...

۳

کاهش طلاق با اتاق «طلاق آشنی»!

در یکی از روستاهای رومانی که در ۳۰ سال یک طلاق ثبت شده، اتاقی وجود دارد که...

۳

قصه گنج کلاغ کوچولو

برای کودکان

۴



# زیر گنبد کبود فقط بچه من بود!

سفارش «کتاب داستان اختصاصی کودک»

مدت‌های که کودک شما را قهرمان قصه

و جیب عده‌ای را پر پول می‌کند

الیه توانا | روزنامه نگار

پرونده

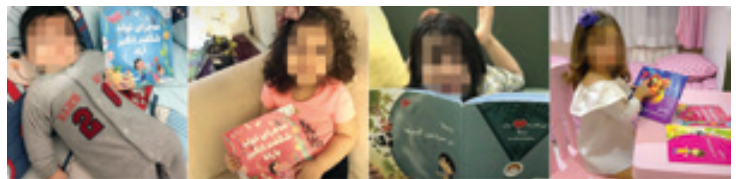
آشنایی، با مدرک زبان انگلیسی برای تدریس رفته بود به چند آموزشگاه خصوصی و به او پیشنهاد شده بود کارش را با بچه‌ها شروع کند تا چم‌وخم کار دستش بیاید. دوستی، برای جا افتادن در موسسه موسیقی مدتی به بچه‌ها درس می‌داد. مترجمی تعریف می‌کرد دانشجویهای ترم پایینی زبان، کتاب کودک ترجمه می‌کنند. به احتمال زیاد شما هم طبق تجربه خودتان یا اطرافیان‌تان می‌توانید به فهرست حرفه‌هایی که کار با بچه‌ها را مساوی کار آسان و بی‌نیاز از تجربه در نظر می‌گیرند، اضافه کنید. این رفتار غیر تخصصی با حوزه‌های مربوط به کودک‌نوا وقتی کنار علاقه‌زمانه‌مان به شو و نمایش قرار می‌گیرد، شلم‌شور بایی می‌سازد که یکی از نمونه‌هایش را در پرونده امروز زندگی سلام بررسی می‌کنیم؛ کتاب داستان اختصاصی کودک! کتابی که قهرمانش، فرزند شماست و اسم و عکس او روی جلدش قرار گرفته است. مد خوبی است و خوراکی روزگار اینستاگرامی؛ هم قیمتش دست‌کم حدود ۱۰ برابر کتاب داستان‌های معمولی است و هر کسی از عهده خریدش بر نمی‌آید، هم کتاب است و نشانه‌دانی و فرهیختگی و هم کلی مدعای تربیتی و آموزشی پشتش وجود دارد اما آیا کارکرد دیگری غیر از نمایش و پزدادن، دارد؟ با کمک دو کارشناس، این کتاب‌ها را از جنبه‌های ادبی و تربیتی بررسی کرده‌ایم.

عکس: تریسنا است

## کدام «داستان»؟ کدام «اختصاصی»؟

سرکی به یکی از سایت‌های فعال در حوزه سفارش چنین کتاب‌هایی زدیم و...

با شنیدن داستان اختصاصی کودک، چه نوعی در ذهن‌تان ایجاد می‌شود؟ وارد یکی از سایت‌های فعال در این حوزه می‌شوید. اسم و جنسیت فرزندتان را وارد می‌کنید؛ از بین طبقه‌بندی‌های محدود، ویژگی‌های شخصیتی و موارد دوست‌داشتنی‌اش را انتخاب می‌کنید. فرض بر این بوده است که همه بچه‌ها در پنج، شش و هفتگی شخصیتی مثل باهوش و شجاع بودن مشترک‌اند؛ صورتی و آبی و چند رنگ دیگر را دوست دارند و همه‌شان عاشق فضا نوردی و دایناسور هستند. اگر از این مرحله یکسان‌سازی سر بلند بیرون بیایید، یک متن چندخطی مهرآمیز خطاب به فرزندتان می‌نویسید و عکسش را برای قرار گرفتن روی جلد آپلود می‌کنید. چندثانیه بعد داستان‌تان آماده است. الگو، از پیش مشخص است. قصه نوشته شده است، فقط اطلاعات مختصری که شما از فرزندتان به سایت می‌دهید، در جاهای خالی قرار می‌گیرد. این، همه آن چیزی است که باید از کلمه «اختصاصی» توقع داشته باشید. در تعریف‌تان از «کودک» هم باید تغییراتی به دهید چون احتمالاً طبق تصور شما که تصور درستی هم هست، داستان مناسب کودک سه ساله یا قصه‌ای که برای هفت ساله‌ها می‌خوانند باید متفاوت باشد ولی چنین دسته‌بندی در بیشتر این کتاب‌ها وجود ندارد. تصویرسازی‌های پررنگ و لعاب، ظاهر کار را چشمگیر کرده است ولی محتوا سطحی، ساده‌نگارانه و صرفاً پندآموز است چون اصلاً قرار نبوده است یک محصول ادبی تولید شود؛ صرفاً هدیه غافل‌گیرکننده‌ای است که نباید چندان روی «کتاب»، «داستان» و «اختصاصی» بودنش حساب کنید.



نظر یک روان‌شناس - نویسنده درباره کتاب‌های اختصاصی

## به کودکان اعتماد به نفس کاذب هدیه ندهید

«سپیده خلیلی»، دکترای روان‌شناسی بالینی دارداژ دانشگاه «پراون شواپک، آلمان، عضو انجمن روان‌شناسان کودک ایران است و در کارنامه‌اش ترجمه و تألیف بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب برای مخاطبان کودک و نوجوان دیده می‌شود. در زمان تصمیم‌ما به نوشتن این پرونده، دکتر خلیلی خارج از کشور بود بنابراین به دلیل اختلاف زمانی امکان گفت‌وگوی مفصل وجود نداشت.

با این همه ایشان در یادداشتی کوتاه که از طریق اینترننت به ما رساند، موضوع بحث را اگرچه مختصر ولی دقیق تحلیل کرد: «در این روزگار فرزندسالاری، پدر و مادرها برای نشان دادن عشق خود به فرزندشان، سراغ کتاب‌هایی می‌روند که به ظاهر قهرمان کتاب فرزند دلبندشان است ولی عناوین کتاب‌ها نشان می‌دهد در بسیاری موارد داستان به ظاهر درباره کودک و قهرمان اصلی در واقع شخص دیگری است. مثلاً در مجموعه داستان‌هایی که درباره «اسم» کودک نوشته می‌شود، برای کودک مهم نیست که نام او از کجا گرفته شده و در اصل قهرمان کسی است که این نام را بر او نهاده است. در میان این کتاب‌ها داستان‌هایی هم وجود دارند که فرزند شما را یک فرا کودک نشان می‌دهند؛ چیزی که در واقع نیست و چون کودک در سن باورپذیری است، آن شخصیت فرا واقعی را باور می‌کند.

اما ایراد کار کجاست؟

آن‌جاکه کودک بزرگ‌تر می‌شود می‌فهمد از آن‌چه برایش ساخته شده، ناتوان‌تر است، عزت‌نفس‌اش آسیب می‌بیند. از طرف دیگر تولیدکنندگان ادعا می‌کنند این کتاب‌ها اعتماد به نفس کودک را افزایش می‌دهند. درست است ولی اعتماد به نفسی که از جیب پدر و مادر بیرون می‌آید و خود کودک نقشی در ساختنش ندارد، کاذب است و مایه در دسر. بنابه این دلایل، من فکرمی‌کنم هنگام سفارش این کتاب‌ها باید با احتیاط عمل کرد و به عواقب کار اندیشید»

## ناقصه‌هایی برای رفع تکلیف والدین و پول در آوردن ناشرها

با کمک یک نویسنده ادبیات کودک، این کتاب‌های اختصاصی را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کنیم

• به جز ادعای افزایش اعتماد

به نفس، ترغیب بچه‌ها به کتاب‌خوانی یکی دیگر

از تبلیغات سازندگان این کتاب‌هاست. چقدر

می‌شود این ادعا را جدی گرفت؟

و آثار این کتاب‌ها روی بچه‌ها سنجیده شود ولی خوب می‌شود قضیه را طور دیگری هم مطرح کرد؛ شاید این کتاب‌ها باعث شوند بچه فقط به خواندن کتابی متمایل باشد که درباره خودش است. ادعای تشویق به کتاب‌خوانی با داستان‌های اختصاصی فعلاً قابل اثبات نیست ولی از قدیم تا الان کسی نتوانسته هم طبق این ادعا، چنین تصویری دارند در حالی که منشأ اعتماد به نفس فرزندشان را باید در جایی دیگر جست‌وجو کنند. مثلاً به رفتار خودشان دقیق شوند و ببینند هر بار فرزندشان می‌خواهد حرفی بزند، جواب‌شان «الان حوصله/وقت/اعصاب ندارم» نیست؟ به نظرم این کتاب‌ها بیشتر به والدین مربوط است تا بچه‌ها. فرصتی است برای گفتن «این بچه منه!». امکانی است برای این که والدین، اعتماد به نفس نداشته خودشان را در فرزندشان ببینند. من نتیجه این رفتارها را در سر و کله زدن با بچه‌ها می‌بینم؛ خودخواهی زیادی دارند. باید کلی با آن‌ها کار کنی و زمانی طولانی همدشان شوی تا بتوانی ارزش‌های زندگی را بهشان نشان بدهی. ارزش‌هایی که خانواده‌ها در مسیری نادرست روی آن‌ها را پوشانده‌اند. می‌گویند می‌خواهم فرزند خلاق داشته باشم، بچه‌تو خلاق هست، رویش را نبوشان. به فرزندشان می‌گویند و حالا هم در قالب این قصه‌ها به او القا می‌کنند که «تو بهترینی!»، «تو زیباترینی!»، همه آدم‌ها زیبا هستند؛ همه آدم‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها و قوت‌ها و ضعف‌هایی دارند. این ارزش‌گذاری‌ها چه معنی دارد، جز ضعف اعتماد به نفس والدین و قرار دادن بچه در مسیر خودخواهی؟

«روناک ربیعی»، ۱۷ ساله می‌شود که با بچه‌ها کار می‌کند؛ برایشان کتاب می‌نویسد و هنر تدریس می‌کند. همچنین سابقه همکاری با نشریات موقفی مثل همشهری بچه‌ها را دارد. اگر فرزند کوچک دارید و پریش کتاب می‌خوانید، دست‌کم به یکی از آثار خانم ربیعی مثل «فکر من راست‌استکی گم شده»، «امان صدای چیه»، «اگر جای من بودی» بر خورده‌اید. روناک ربیعی از سر علاقه و شناختی که به بچه‌ها دارد، با دغدغه‌مندی و دلسوزی در خواست‌گفت‌وگویی مارا پذیرفت و نکات مهمی بهمان درباره سوژه پرونده‌مان یاد داد.

• نظر شما درباره داستان‌های

اختصاصی چیست؟

قبلاً قصه‌هایی داشتیم البته هنوز هم کمابیش داریم که همیشه با نتیجه اخلاقی تمام می‌شدند. خرگوش، فلان کار را کرد و مانع نتیجه می‌گیریم که بهمان. این مدل قصه‌نویستن از آن جایی می‌آمد که بزرگ‌ترها فکر می‌کردند به عنوان یک دانی کل می‌توانند درباره همه چیز به جای بچه‌ها تصمیم بگیرند. به مرور فهمیدیم اجازه نداریم به جای کودک تصمیم بگیریم چون درست مثل این است که او را داریم در بغل بگیریم و نوع داشته باشیم که یک‌روزه را برد. حالا دیگر می‌دانیم اگر قرار است چیزی را در قالب قصه به بچه آموزش بدهیم، باید به گونه‌ای باشد که او را به فکر کردن وادار کنیم. این کتاب‌های اختصاصی اما دقیقاً دارند همان راه‌طی شده اشتباه را می‌روند. در آن‌ها، والدین

بچه را می‌گذارند وسط قصه‌ای که خودشان برایش انتخاب کرده‌اند و با این کار، هم حق انتخاب را از او می‌گیرند و هم باری روی دوشش می‌گذارند. من سال‌ها مربی نقاشی بچه‌ها بودم و هیچ‌وقت از کارهای آن‌ها، نمایشگاه تک‌نفره برگزار نکردم چون نباید بچه را به تحمل هیچ باری از جمله «هنرمند» بودن وادار کنیم. حتی نباید بهش بگوییم «تو هنرمندی!»؛ این وظیفه بزرگی است که به او محول می‌کنیم و ممکن است از بسش بر نیاید. هر نوع ارزش‌گذاری دیگری مثل «تو بهترینی»، «باری است روی دوش کودک. این کتاب‌ها خیلی ضعیف‌اند، هیچ ارزش داستانی ندارند و صرفاً اسم بچه را

قصه، بحران دارد؛ اتفاق‌هایی در آن رخ می‌دهد؛ گره به وجود می‌آورد و گره را حل می‌کند، آن هم نه به این صورت که کسی از بیرون سر برسد و گره داستانی را باز کند، خود قهرمان است که باید مشکل را حل کند. در این کتاب‌ها اما با منطق فانتزی اشتباهی، همه چیز به خوبی و خوشی می‌گذرد و به نتیجه اخلاقی گنده‌ای هم ختم می‌شود. به همین دلیل، من این‌ها را قصه نمی‌دانم. ابزارهایی هستند برای این که عده‌ای پول به جیب بزنند و خانواده‌ها احساس کنند کاری برای فرزندشان انجام داده‌اند.

• اول حرف تان گفتید که این کتاب‌ها حق انتخاب را از بچه‌ها می‌گیرند. چطور این کار را می‌کنند؟

در قصه‌های مرسوم، بچه می‌تواند خودش را بگذارد به جای شخصیت‌های متفاوت. می‌تواند تصمیم بگیرد که خرگوش باشد یا آدمه یا خر سه. در داستان‌های اختصاصی اما بچه هیچ حق انتخابی ندارد. امکان و لذت کشف هم از او گرفته

رضا موسوی راد

ماجرای چاپ کتاب

اختصاصی برای کودکان، با قیمت

آن چنانی با محوریت اسم و چهره

بچه‌هایی که توانایی خواندن ندارند

یا نوزادانی که هیچ درکی از محتوای کتاب

ندارند، حتی اگر خوب و مفید باشد غیر از

جنبه‌هایی مثل محتوای کتاب، اختصاصی

نبودن اش و شکردهایی که باعث می‌شود

به جای محصولی فرهنگی با یک ابزار

و سرود مهد کودک می‌خوانند بچه‌ها مد شد؛ بعد کار رسید به عکس آلبومی گرفتن از بچه‌ها. حالا هم اگر بچه‌یکی از فامیل کتاب اختصاصی داشته باشد مادر و پدر، آینده بچه خودشان را در خاطر نابودی می‌بینند. بهترین بسته‌های آموزشی، بهترین حمایت‌ها، بدون آن که نیاز واقعی بچه‌ها باشد بدون این که مهارت حل مسئله، خودانکایی و توانمندی را در آن‌ها پرورش دهد بر برای بچه‌ها فراهم می‌شود. پدر و مادرها سروسس دهنده‌های محض هستند و بچه‌ها طلبکار همیشگی. این چنین بچه‌هایی چطور می‌خواهند وارد جامعه شوند وقتی حتی کتابی به نام آن‌ها و با شخصیت آن‌ها چاپ‌واژ کودک می‌به‌آن‌ها آموزش داده شده است که تو مرگ‌زندگی هستی و همه باید در خدمت تو باشند. بدون تلاش قهرمان زندگی پدر و مادر هستی و هر چیزی برایت فراهم است.

در آمد زایی طرف باشیم از منظر انگیزه‌های والدین هم قابل بررسی است. این که چرا پدر مادرهای امروزی که گاهی حوصله بازی با بچه، آموختن درس زندگی هنگام تفریح و شادی و گفتن قصه و خاطره برای بچه‌ها ندارند و حتی رفتارشان هم الگوی خوبی برای بچه نیست، دست به چنین کاری می‌زنند، می‌تواند ناشی از میل عجیب مادر و پدرهای متولد اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ به فراهم کردن همه چیز برای کودکانشان باشد. کسانی که در روزهای کودکی در خانواده‌های پرجمعیت بزرگ شده و طعم محرومیت‌ها را چشیده‌اند حالا هر چیزی را که مدرور باشد بدون در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف برای فرزندشان فراهم و به جای محبت و توجه فقط هزینه می‌کنند. روزی پدر و مادرها با این که بچه‌شان اسم پایتخت کشورها را حفظ کند، پز می‌داند؛ بعد‌ها شعر

رضا موسوی راد

ماجرای چاپ کتاب

اختصاصی برای کودکان، با قیمت

آن چنانی با محوریت اسم و چهره

بچه‌هایی که توانایی خواندن ندارند

یا نوزادانی که هیچ درکی از محتوای کتاب

ندارند، حتی اگر خوب و مفید باشد غیر از

جنبه‌هایی مثل محتوای کتاب، اختصاصی

نبودن اش و شکردهایی که باعث می‌شود

به جای محصولی فرهنگی با یک ابزار

رضا موسوی راد

ماجرای چاپ کتاب

اختصاصی برای کودکان، با قیمت

آن چنانی با محوریت اسم و چهره

بچه‌هایی که توانایی خواندن ندارند

یا نوزادانی که هیچ درکی از محتوای کتاب

ندارند، حتی اگر خوب و مفید باشد غیر از

جنبه‌هایی مثل محتوای کتاب، اختصاصی

نبودن اش و شکردهایی که باعث می‌شود

به جای محصولی فرهنگی با یک ابزار